



۲۰۳۰۲۹

آنجنگل می ریزد در کارگاهم

معاصران موثر در شعر ایران

با انتخاب "آرش دل آور"

نشر آقای کتاب

۱۳۹۸

سرشناسه	دل‌آور، آرش، ۱۳۵۹ =
عنوان و نام پدیدآور	آه جنگل می‌ریزد در کارگاهم / با انتخاب آرش دل‌آور.
مشخصات نشر	تهران: آقای کتاب، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۲۰ ص.: مصور.
شابک	۱۲۰۰۰۰ ریال 978-600-8851-98-1 :
وضعیت فهرست نویسی	فیفا :
موضوع	شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- مجموعه‌ها
موضوع	Persian poetry -- 20th century -- Collections
شناسه افزود	عباسی، فاطمه - ۱۳۶۱ - تصویرگر
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ ۹۱۸۵/۴۱۹۰ PIF :
رده بندی دیویی	۱/۶۲ ف۸
شماره کتابشناسی ملی	۵۱۰۰۸۱۰

ناشر	آقای کتاب :
عنوان	آه جنگل می‌ریزد در کارگاهم :
گردآورنده	اسماعیل دل‌آور رودکل (آرش دل‌آور) :
تصویرگر	فاطمه عباسی (سپیده) :
نوبت چاپ	اول / ۱۳۹۸ :
تیراژ	۱۰۰ جلد :
قیمت	۲۲ هزار تومان :
شماره شابک	۹۷۸-۶۰۰-۸۸۵۱-۹۸-۱ :

این اثر مشمول قانون حمایت مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ است، هرکس تمام یا قسمتی از این اثر را بدون اجازه ناشر یا مؤلف، نشر یا پخش کند مورد پیگرد قانونی قرار خواهد گرفت.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به ناشر می‌باشد.

آدرس نشر و محل توزیع: تهران، میدان انقلاب، ابتدای خ وحید نظری، بن‌بست
بختیاری، پلاک ۷، واحد ۱ تلفن و دورنگار: ۶۶۱۷۶۸۹۱

سایت: www.aghayeketab.ir ایمیل: Info@aghayeketab.com

"مسئولیت صحت مطالب کتاب با مؤلف می‌باشد"

فهرست مطالب

۷.....	سخن ناشر
۸.....	مقدمه گردآورنده
۱۱.....	تا صبحدمان - نیما یوشیج
۱۲.....	محقاق - احمد شاملو
۱۴.....	نوحه - انی، امخند او در خواب - مهدی اخوان ثالث
۱۵.....	بانه مدی است - فروغ فرخ زاد
۱۶.....	سراپ در - احمد، احمدی
۱۸.....	این غروب - مسعود حمیدی
۱۹.....	ترانه سرزمین ها بهرام دیبلجی
۲۰.....	پای رفتن - مریم اسحقزهی
۲۱.....	سرباز - الهام اسلامی
۲۲.....	در جاده تمشک - کاظم السادات اشکوری
۲۳.....	روز را در دست های گم می شوم - عباس باغستانی
۲۵.....	با کارگر کارخانه ی چوب بری - ابوذر افشنگ
۲۶.....	باران - رجب افشنگ
۲۷.....	شانس - اکبر اکسیر
۲۸.....	به سلمی - بیژن الهی
۲۹.....	تقدیر چنین بود - مانی امانی
۳۰.....	با یک پاکت علامت سوال - مفتون امینی
۳۱.....	دلنگ خود منم - منصور اوجی
۳۲.....	شب رفتار تازه ای با من دارد - علیرضا آیز
۳۳.....	دیدار در فلق - منوچهر آتشی
۳۴.....	حرف زدیم اما - حسن آذری
۳۵.....	یک عصر پائیزی - واهه آرمن
۳۶.....	شعر - هوشنگ آزادی ور
۳۷.....	هر روز از این خانه فرار می کنم - مرضیه آقارضایی

- ۳۸..... پرسش - میرزا آقا عسگری (امانی)
- ۳۹..... بغض را در یک نشست طولانی - شمس آقاجانی
- ۴۱..... این همه سال - علی بابا چاهی
- ۴۲..... بم - فریده برازجانی
- ۴۳..... به شانه‌های تو - غلامرضا بروسان
- ۴۴..... روی لب - ابوالفضل پاشا
- ۴۵..... مه - میرضا پنجه‌ای
- ۴۶..... فرصت برای من - محمد تقوی تکیار
- ۴۷..... گل آفتاب آیدان - برن جلالی
- ۴۸..... سیگار را خاموش می‌کند - محمدجنت امانی
- ۴۹..... در لحظه‌های پایانی - ناصر جواد
- ۵۰..... اتفاق - هوشنگ چالنگی
- ۵۱..... کتری بخار می‌کند - رضا چایچی
- ۵۲..... تمرگ دوازدهم - آتفه چهارمحالیان
- ۵۳..... آن قدری که ترسیده‌ام - محمد اسماعیل حبیبی
- ۵۴..... چیزی شبیه خود - ابوالفضل حسینی
- ۵۵..... پشت درختان افرا - محمد حقوقی
- ۵۶..... تمام شماره‌ها - رحمت حقی پور
- ۵۷..... در آینه پرنده - بهزاد خواجهات
- ۵۸..... جنگ جهان سومی - هادی خوانساری
- ۵۹..... به نيمروز بزرگ - سیروس رادمش
- ۶۰..... تا آخر علیرضا راهب
- ۶۱..... به گم شدن عادت دارم - کریم رجب زاده
- ۶۲..... از تاریکی می‌ترسم - حامد رحمتی
- ۶۳..... مرگ چهره - یدالله رویایی
- ۶۴..... نیستم، هنوز هم - رضا زاهد
- ۶۶..... تا به حال - سایبر هاگا

- ۶۷..... تن پوشم را- فرشته ساری
- ۶۸..... بدرقه- محمد علی سپانلو
- ۶۹..... جادو- یزدان سلحشور
- ۷۰..... در محاصره از من- قارن سواد کوهی
- ۷۱..... آرزو- محمدرضا سهرابی نژاد
- ۷۲..... خط ب-م- ساغر شفیعی
- ۷۳..... نظارات- یدضیاء الدین شفیعی
- ۷۴..... دیر آمدی موسا- محمد شمس لنگرودی
- ۷۵..... شب، حادثه- ورق- آفاق شوهانی
- ۷۶..... چقدر سیاه می بینی- علی شهسواری
- ۷۷..... در آن سوی رودخانه- سعاد صدق
- ۷۸..... من نیستم در این پیراهن- عماد صلا
- ۷۹..... هم زبان با سعدی- علیرضا طبایی
- ۸۰..... ما سواران خسته- مهرداد عارفانی
- ۸۱..... غزل- حسن عالیزاده
- ۸۲..... گهواره- علی عبدالرضایی
- ۸۳..... گنجشک- علی عبداللهی
- ۸۴..... سوهان اضطراب- گروس عبدالملکیان
- ۸۶..... یکی دو نوبت- هرمز علیپور
- ۸۷..... ضلوع- پوران فرخ زاد
- ۸۸..... من و دیوار- مهرداد فلاح
- ۸۹..... پشت زیبایی- محمود فلکی
- ۹۰..... می خواهمت- شیون فومنی
- ۹۱..... تردید- مهرنوش قربانعلی
- ۹۲..... مشت ها- لایلا کر دیچه
- ۹۳..... عبده ممد- داریوش کیارس
- ۹۴..... کلمات بازنگوش- محسن با فکر لیاستانی

- ۹۵..... امشب از گل‌ها - آیدا مجید آبادی
- ۹۶..... در خیابان - سایر محمدی
- ۹۷..... پیشترها - بهاء‌الدین مرشدی
- ۹۸..... ستاره‌ها - مهدی مظفری ساوجی
- ۹۹..... می‌گذرم از معنای شب - داریوش معمار
- ۱۰۰..... سفید - ها را - داوود ملک زاده
- ۱۰۱..... ریچه - باطمه ملک زاده
- ۱۰۲..... این‌جا - حافظ - ی
- ۱۰۳..... من - گراناز موسوی
- ۱۰۴..... صلح - علیشاه مولو
- ۱۰۵..... تولد - محمدرضا مهاجران
- ۱۰۶..... پیاده روی به هوای زیارت - یروز جی
- ۱۰۷..... آسمان دیلمان - بیژن نجدی
- ۱۰۹..... برای آن‌که - آرش نصرت‌اللهی
- ۱۱۰..... یک گزارش روزمره - تیرداد نصری
- ۱۱۱..... برای صحرا - فردین نظری
- ۱۱۲..... هر سربازی - مریم نظریان
- ۱۱۳..... از وقتی - یاسین نمکچیان
- ۱۱۵..... می‌شود سحر - مازیار نیستانی
- ۱۱۷..... سرباز - مهدی وزیربانی
- ۱۱۸..... کابوس - حسن همایون
- ۱۱۹..... تمام کلماتم - کوروش همه‌خانی
- ۱۲۰..... وضعیت - رسول یونان

سخن ناشر

دوست نازنینم آرش دل‌آور همزاد گیلان است، هم شناسنامه‌اش گواه این مدعاست و هم صدای باران در لابه لای اشعارش. شاعر دلتنگی‌های روستا که پیش از این از او کتاب شعرهایش یعنی؛ صحافی باران - را دیده‌ایم. گزیده‌های ایشان از شعر معاصر، نگاهی دیگرگون به شعر امروز ایران است.

در دنیای امروز تصویرگری‌های دستی یا دیجیتال به شکل قابل توجهی افزایش یافته است، هر چه باشد یک تصویر بهتر از هزاران کلمه، حرف برای گفتن دارد. طرح‌های سبک‌های کتاب سبیده عباسی از چنان خلاقیت منحصر به فردی برخوردار است که بر زود نام ایشان را به عنوان گرافیستی مولف و کم نظیر بر سر زبان‌ها می‌اندازد. سویی سری‌های درون کتاب نگاه نوجو و بی قرار او را داراست. برنامه‌ریزی، دیزاین، روایتی، طراحی شخصیت، درکنار خلاقیت و نشان دادن درون‌مایه اثر، مواردی هستند که به نوبی در تصویرگری ایشان جلوه دارند. برای ایشان پیوستگی در الهام گرفتن و یادگیری و تحول را خواستارم.

شهرام مقصودی

مقدمه گردآورنده

۱. به عقب بر می‌گردم درست ۲۳ سال پیش که داشتم در بازارهای شمال دستفروشی می‌کردم و در نگاه مردمان شهرهای شمالی غرق رفتارشان می‌شدم که کنش‌های همه‌ی طبقات را در ذهن کوچکام ضبط می‌کردم و بعد از هجرتام به تهران و مشغول شدنم در کارگاه صحافی کتاب در نوجوانی‌ام ناگهانی برای خانواده‌ام نوشتم و پست کردم. تا آن لحظه پدرم گریه‌اش را در گویه‌ای که هیچکس نمی‌دید می‌ریخت، اما از دوستانم شنیدم، نامه که به دستش رسید سرانجام بازار را با ریختن اشک قدم برمی‌داشت و آنجا بود که فهمیدم نوشتم معجزه است و پس از اینکه در حدود بیست و دو سال در صحافی کتاب مشغول به کار هستم و خواندن کاملاً آمیخته شد با کار و زیست‌ام.

تا جایی که شاعران و سرمندان در کارگاهم همیشه حضور داشتند و حتا آنهایی را که هیچگاه ندیدم، انگار هزار بار دیده‌ام و دم، چرا که تنها از راه دور با تماس‌های گوناگون از احوال‌شان باخبر می‌شدم و حتی در دورترین نقطه‌ی دنیا هم اگر بود نظرهایشان برایم ارزشمند بود.

خیلی از این شعرها را خود شاعران حضوری یا دستی می‌رساندند و برخی کتاب‌ها هم از دوستان مشترک یا به صحافی می‌داشتند و "آه جنگل می‌ریخت در کارگاهم".

برخی از این شعرها را نتوانستم با شاعرشان تماسی داشته باشم. بی‌آنقدر ارزشمند بوده که نیاوردنشان در این کتاب جفا به خوانندگان به حساب می‌آمد و در آینده کتاب‌های گردآوری شده امر مهمی را رقم خواهد زد.

۲. انگیزه‌ی دیگر جمع‌آوری این شعرها در راستای کامل حرف‌هایی بود که شاعر بزرگ و پرآوازه‌ی ارمنستانی در شصتمین سالگرد زندگی‌اش گفته بود و در اینجا چکیده می‌آورم.

به مناسبت شصتمین سالگرد زندگی من سخنان گرم و تقدیرآمیز بسیاری درباره‌ی من گفته و نوشته شده، اما نباید کسی تصور کند که همه‌ی این سخنان

را من بی چون و چرا می پذیرم. من با یک حقیقت بزرگ آشنا هستم و آن اینکه باید دست کم پنجاه سال از مرگ یک شاعر بگذرد تا اهمیت و عظمت واقعی او پدیدار گردد...

من با یک حقیقت دیگر نیز آشنا هستم: برای آنکه شاعر واقعی باشی و در تاریخ ماندگار شوی تنها کافی نیست که شعرهای خوب و حتی بسیار خوب و عالی سرود باشی. لازم است که یک سیاره باشی که با قانون‌های ویژه و شخصی زندگی می‌کند، دارای فضای شخصی است، رنگ‌های خاص خود را دارد، کوه‌ها و پرتگاه‌ها و جنگل‌ها و صحراهای خود را دارد، حتی باید سیاره‌ای باشی که غارهای پنهان و رازآمیز خود را داراست. این که این سیاره بزرگ است یا کوچک، چندان اهمیتی نیست... بعد از همه‌ی این حرف‌ها امیدوارم این برداشت در کسی نباشد که من با سونه‌ی تروتسکی ساختگی می‌خواهم به نفی خود متوسل شوم.^۱

۳. تمام توجه‌ام این بود وقتی شعری شعر خوبی سروده و حتی مشهور هم نیست و در این سال‌ها هزینه می‌پردازد یعنی همان رنج شاعری را می‌گویم، شعرهایش در این کتاب حتما بیاید و جمع‌آوری و صاف‌تانه انجام گردد. حتی در لحظه سپردن این کتاب به ناشر، باور کنید شعرهایش را که ضعیف‌تر از شاعران دیگری دیدم سریع جایگزین کردم چرا که برخی آثاری‌های دیگری را دیده بودم رفاقت‌ها هدف اصلی را زیر سوال برده بود. من تمایلی به پیشگاه شاعرانی که شعرشان به دلایل مختلف به دستم نرسیده فرود می‌آید و در آینده‌ای نزدیک در چاپ بعدی به این مجموعه اضافه خواهم کرد.

۴. سعی در جمع‌آوری این شعرها بر مبنای همه‌ی نحله‌های شعری ایران بود و رفتارهای گوناگون است تا دم‌کراسی را رعایت کرده باشم. آنهایی که بی‌گمان در این سال‌ها تاثیرگذار بوده‌اند و به اضافه‌ی شعر شاعرانی که جوان‌تر اما رگه‌های شعری ناب مدرن را در کارهایشان می‌توان یافت و کاملاً در جان‌شان

^۱ از کتاب عاشقانه‌های آبی "واهاگن داوتیان مترجم احمد نوری زاده"

درونی شده است. عنصر عاطفه و جریان کشف‌های بکر که بیشتر مربوط به خودِ شاعر است برایم بسیار مهم بود. هر چند مطالعه‌ی خیلی از کتاب‌ها و مجله‌ها، روزنامه‌هایی که صفحه‌های شعر تخصصی در این سال‌ها داشتند، مرور شده و حاصل‌اش این کتاب "معاصران موثر در شعر ایران" شده است.

آرش دل‌آور